

# زنان، اقتصاد روستائی و تعاون (با نگاهی بر بخش باخرز شهرستان تایباد)

دکتر رستم صابری فر\*

محمد رضا کلماتی\*\*

## چکیده

تحولات ایجاد شده در جامعه روستائی موجب شده تا نقش زنان در اقتصاد روستائی از یک نقش حاشیهای به عاملی اصلی و غیرقابل انکار تبدیل شود. به همین دلیل نیاز است به این قشر موثر با نگاهی دیگر نگریده شود و امکاناتی در شأن مسئولیت ایشان به آنها واگذار گردد. آنچه در منطقه مورد مطالعه سهم زنان را در اقتصاد روستائی پرنرنگتر ساخته، تغییر نوع کشت و اضافه شدن شیوه‌های جدید تولید درآمد در روستاها و چند عامل دیگر بوده است. هرچند که با سپردن مسئولیت‌های جدید به زنان روستائی، این قشر همچنان در حد و اندازه خود مورد توجه قرار نگرفته و به اندازه مسئولیت خود امکانات و قدرت در اختیار ندارند. این مقاله بر آن است که تحولات حادث شده در سیستم کشاورزی و پرنرنگتر شدن نقش زنان روستائی در اقتصاد روستاها و نیز موانع و مشکلات این حضور را با استفاده از روش‌های توصیفی و تحلیلی مبتنی بر داده‌ها و اسناد کتابخانه‌ای و تحقیقات میدانی در بخش باخرز تایباد ارائه نماید.

واژگان کلیدی: زنان روستائی، اقتصاد روستائی، تایباد، تعاونی تولید روستائی، تعاونی زنان روستائی

## مقدمه

عنوان کارگران با مزد یا بدون مزد در کشاورزی و مزرعه و یا در خارج مزرعه به حساب می‌آیند. در حال حاضر زنان افزون بر تولید غذا و کار در مزرعه از دام‌ها نگهداری می‌کنند و عمل کوبیدن و از پوست درآوردن غلات و حبوبات و حمل محصولات به بازار را به عهده دارند. امر مدیریت خانواده و مزرعه نیز در اکثر نواحی به عهده زنان است و گاهی نیروی کارشان را

زنان می‌توانند نقش‌های اجتماعی و موثر خود را به عنوان آموزشگر، مروج و یا در قالب NGO و همیاران طبیعت و روستا و سایر تشکل‌های اجتماعی زنان ایفا کنند. تا چند سال پیش در کشورهای در حال توسعه (مثل ایران) زنان علاوه بر وظایف خانه‌داری و تربیت بچه‌ها و تهیه غذا و دیگر کارهای عادی روزانه، به

\* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور

\*\* دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی روستائی دانشگاه پیام نور فریمان

# اهمیت زنان در بخش کشاورزی پذیرفته شده است، باید دیدگاه‌ها و نظرات آنان در هنگام طراحی فناوری‌های جدید مد نظر قرار گیرد و این قشر باید با دریافت آموزش و راهنمایی از خدمات ترویجی اجازه بهره‌برداری از اعتبارات و نهادها را داشته باشد

دگرگونی نموده و شانس موفقیت آنان را روز به روز کاهش می‌دهد.

مطالعات انجام شده در سایر کشورها نیز حاکی از آن است که چنانچه تنگناها و مشکلات فعالیت زنان بخوبی مورد بررسی قرار گیرد و راه‌حل‌های مناسب در این زمینه به مورد اجرا گذاشته شود این گروه به عنوان نیمی از جمعیت فعال مناطق روستایی نقش غیرقابل انکاری در افزایش درآمد و بهبود استانداردهای زندگی خواهند داشت. (۲)

## ادبیات تحقیق

نگاه به نقش زنان در جهان نشان می‌دهد که زنان نقش‌های کلیدی در سیستم‌های زراعی در سرتاسر دنیا به عهده دارند. زنان علاوه بر گرفتار شدن در کارهای عادی خانه‌داری و تربیت

به دیگر مزارع می‌فروشند و در صنایع کوچک و بخش‌های غیررسمی فعالیت می‌کنند و کالا و خدماتی برای فروش در بازارهای محلی و منطقه‌ای و حتی ملی تولید می‌کنند. اشتغال زنان به صورت نامرئی باعث تهیه برنامه‌ها و سیاست‌هایی شده که زنان را نادیده جلوه می‌دهند. اهمیت زنان در کشاورزی پذیرفته شده است، باید دیدگاه‌ها و نظرات آنان در هنگام طراحی فناوری‌های جدید مد نظر قرار گیرد و این قشر باید با دریافت آموزش و راهنمایی از خدمات ترویجی اجازه بهره‌برداری از اعتبارات و نهادها را داشته باشد. اما، به دلایلی، دسترسی کافی به اعتبارات را ندارند چرا که در بسیاری از جوامع، زنان موقعیت قانونی لازم برای انعقاد عقود، پیمان‌ها و قراردادهای را نداشته و معمولاً مالکیت زمین را در اختیار ندارند و بیشتر به عنوان یک عنصر جنسی مورد استفاده قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد تعصب و مخالفت با زنان در اداره طرح‌های اعتباری کم‌اثر وجود دارد. با وجودی که عده‌ای از کارشناسان عقیده دارند زنان در شیوه‌های تولید سنتی قادرند به عنوان نیروی مولد لحاظ شوند لیکن بیشتر فناوری‌های جدید از نظر جنسی بی‌طرف هستند چرا که شاهد تلاش‌هایی در بخش‌هایی از سیستم ترویجی عمومی برای دسترسی زنان به مزرعه هستیم. کما اینکه در کشور آفریقای گامبیا با ورود فناوری جدید در کاشت و داشت و برداشت برنج، درآمد زنان در این بخش افزایش چشمگیر یافته است. (۱) از آنجا که خدمات ترویجی هنوز هم در اکثر کشورها مرد گراست و ارتباط با مزرعه-داران زن ممنوع شده، اهمیت نسبی جنس به عنوان عامل موثر بر توسعه کشاورزی باید حتماً مورد توجه قرار گیرد.

با توجه به نقش اساسی زنان در کشورهای در حال توسعه (از جمله ایران) و بخصوص در منطقه مورد مطالعه، نادیده گرفتن یا تبعیض قائل شدن برای نقش زنان، تاثیر آنها را دچار

**مردان ۱۰ درصد وقت خود را به کارهای عادی خانواده اختصاص می‌دهند در حالی که این نقش برای زنان ۶۸ درصد است. ضمن اینکه زنان ۳۸ درصد وقت بیشتری از مردان برای کارهای کشاورزی صرف می‌نمایند**

فرزندان، منابع عمده نیروی کار لازم در تولید غذا و فعالیت‌های اقتصادی به حساب می‌آیند. در تولید محصول، مردان زمین‌ها را شخم می‌زنند زنان دانه می‌کارند علف‌های هرز مزارع را می‌چینند و محصولات را برداشت می‌کنند و حبوبات و غلات را پوست کنی کرده و می‌کوبند. مردان و پسران مراقبت از دام‌ها را به عهده داشته آنها را می‌دوشند. زنان در پرورش جوجه‌ها مدیریت می‌نمایند. زنان جمع‌آوری هیزم، آوردن آب، پخت و پز و کارهای خانواده را در مراتع به عهده دارند. مردان ۱۰ درصد وقت خود را به کارهای عادی خانواده اختصاص می‌دهند در حالی که این نقش برای زنان ۶۸ درصد است. ضمن اینکه زنان ۳۸ درصد وقت بیشتری از مردان برای کارهای کشاورزی صرف می‌نمایند. مصرف ۴۸ درصد از ساعات کاری زنان با اعضای خانواده در مقابل ۲۲ درصد برای مردان، حکایت از نقش بارز آنان در نقش تربیتی خانواده و سهم قابل ملاحظه آنان در گرما بخشی به محیط خانواده دارد. (۳)

### یافته‌های تحقیق:

روستای کردیان به میزان بیش از ۷ هکتار می‌باشد.

کشاورزی سنتی و معیشتی دیگر قادر به تامین هزینه‌های روستائیان نبوده، کاهش سهم کشاورزی از اراضی، بیکاری‌های فصلی آشکار و پنهان گسترده‌ای را ایجاد کرده و حضور مردان در این سیستم دیگر مقرون به صرفه نخواهد بود. طوری که آنان به شغل‌های واسطه‌ای، کارگری (نظیر گاوداری‌های اطراف شهرهای بزرگ تهران و مشهد و حتی اصفهان) و یا کوره پزخانه‌های منطقه روی آورده‌اند و کشاورزی منطقه به حرفه‌ای زنانه مبدل گشته است و امروزه زنان در کشاورزی نقش اصلی را ایفا می‌کنند.

تمام کشاورزانی که به طور سنتی کشاورزی می‌کنند در فقر مطلق زندگی می‌کنند زنان کشاورز هم دیگر قادر به تامین معاش خانواده نیستند و مجبورند در کنار کشاورزی، صنایع

منطقه مورد تحقیق، بخش باخرز از توابع شهرستان تایباد در استان خراسان رضوی است که در سال‌های اخیر تحولاتی در زمینه شیوه‌های تولید، نوع محصولات مورد کشت و روش‌های جدید کسب درآمدهای غیرکشاورزی داشته است. آمارها نشان می‌دهد که خرد شدن اراضی به قطعات کوچک و کاهش سهم کشاورزان از این منابع خدادادی، تحولات فوق را شدیدتر ساخته است و مردان حرفه سنتی کشاورزی را رها کرده به مشاغل دیگری در شهرستان یا خارج از آن روی آورده‌اند. به طوری که متوسط اراضی مورد استفاده برای هر کشاورز در باخرز ۷/۷ هکتار (۷/۷ هکتار دیم و ۳ هکتار آبی) و کمترین اراضی موجود در روستاها در قلعه سرخ به میزان کمتر از ۰/۱ هکتار و بیشترین آن در

دستی و دامداری را نیز تجربه کنند. آمارها نیز فقر منطقه را بخوبی نمایان می‌سازند براساس آمارها، هر هکتار زمین کشت شده ۶/۳ میلیون ریال درآمد دارد که با هزینه ۱/۵ میلیون ریالی تولید عملاً درآمد خالص و متوسط هر خانوار از اراضی در اختیار، معادل ۱۴ میلیون ریال خواهد بود و از آنجا که بیش از ۷۰ درصد خانوارهای منطقه، یک و کمتر از یک هکتار زمین در اختیار دارند درآمد بسیاری از خانواده‌ها به کمتر از ۳

مورد استفاده در امر تولید، مردگرا بودن آنها را نشان می‌دهد و حمل و نصب این ابزار توسط مردان ضرورتی انکار ناپذیر است. لیکن باید اذعان داشت به توانایی زنان در این زمینه باید توجه شود و اهمیت کار مستقل برای زنان مد نظر قرار گیرد. (۹)

شرکت ندادن زنان در برنامه‌های آموزشی، از دیگر مشکلات موجود در منطقه است. تحقیقات در منطقه نشان می‌دهد از بین ۱۷۵ برنامه آموزشی که از سال ۱۳۷۵ تاکنون در منطقه اجراء شده برای حتی یک برنامه آموزشی آموزش زنان و افزایش مهارت آنان اجراء نشده است. (۱۰)

پیشنهاد می‌شود در منطقه مورد مطالعه به مسئله آموزش و لحاظ کردن سهم زنان و تربیت کارشناس زن در انواع فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی توجه جدی مبذول گردد و هر چند با توجه به بافت سنتی و درون‌گرایی ساکنین منطقه، بخشی از مشکلات آموزش به گرایش کمتر زنان برمی‌گردد لیکن فرهنگ‌سازی در جهت آمادگی زنان روستایی برای بهره‌مندی از آموزش‌های لازم و راهنمایی در ارتباط با خدمات ترویجی و استفاده از مشاوره‌های فنی در این زمینه نباید فراموش شود.

زنان به اعتبارات و نهاده‌های لازم دسترسی ندارند. در بسیاری از جوامع، زنان موقعیت قانونی لازم برای داخل شدن به عقود و پیمان‌ها و قراردادهای را ندارند و حتی با رفع این محدودیت، مشکلات قانونی نیز دامنگیر آنهاست. به عبارتی، حق مالکیت زمین‌ها را به ندرت در اختیار دارند و بیشتر استفاده جنسی آنان مدنظر قرار گرفته است (۱۱) بررسی‌های میدانی در منطقه حاکی از اختصاص کمتر از ۶ درصد کل اراضی به طور رسمی به زنان بوده و بخش عمده‌ای از آنها نیز در مناطق شهری قرار دارد. همچنین تعصب و مخالفت با زنان در اداره طرح‌های اعتباری همچنان موجود است در حالی که چنانچه زنان در مزارع تصمیم می‌گیرند باید اجازه داشته

## نگاه کلی حاکم بر روند تهیه ابزار و لوازم مورد استفاده در امر تولید، مردگرا بودن آنها را نشان می‌دهد و حمل و نصب این ابزار توسط مردان ضرورتی انکار ناپذیر است

میلیون ریال در سال کاهش خواهد یافت. همانطور که گفته شد در منطقه مورد مطالعه، زنان بیش از مردان در کارهای تولیدی سهم دارند و تقریباً تمامی درآمد صنایع دستی، دامداری و بخش اعظم درآمد کشاورزی را به خود اختصاص داده‌اند. به‌رغم این موضوع و با توجه به رواج رویه کلی بی‌مهری نسبت به زنان و نقش اساسی آنان در اقتصاد کشور و منطقه مذکور، مقررات و قوانین نه تنها همسو با حمایت آنان نیست بلکه در تضاد با نقش زنان است.

نگاه کلی حاکم بر روند تهیه ابزار و لوازم

در بخش صنایع دستی، دامداری و یا کشاورزی می‌کند.

اقتصاد روستایی پیش از این در چنگال ربا خواران و سلف‌خرانی بود که امکان فعالیت را از کشاورزان سلب کرده بودند. و زمین و کشاورزی در اختیار مالکان بزرگ و خوانین قرارداشت و اصلاحات ارضی سبب شد نهادهای دولتی و غیردولتی از جمله شرکت-های تعاونی روستایی و سایر تشکلهای به عرصه

## بخشی عظیمی از شاغلان

### در صنایع دستی نیاز

### شدید مالی دارند اما

### تمایلی به اخذ تسهیلات

### از منابع رسمی ندارند

### و ترجیح می‌دهند از

### واسطه‌ها و دلان و

### سلف‌خران وام تهیه کنند

کشاورزی روستا وارد شوند. هرچند بعضی شیوه‌های تعاونی از جمله حراثت، بیه و طاقه از گذشته در ایران رواج داشته (۱۴) لیکن در منطقه مورد مطالعه نیز انواعی از تعاونی‌های سنتی از جمله شیر واره (که شیر تولیدی دام‌های خود را به صورت نوبتی و چرخشی در اختیار همدیگر قرار می‌دهند) وجود دارد و همچنین مردان نیز از تعاونی‌های زراعی از جمله صحرا استفاده می‌کنند و مشارکت در مراسم عروسی و عزا و کاشت و براشت محصولات نیز رواج دارد.

باشند از اعتبارات و نهادهای بهره‌برداری نمایند. مشکلات مذکور باعث گردیده اغلب زنان به پرورش محصولات پیردازند که سهم جزئی در ارزش تولیدی دارند (۱۳).

در یک نمونه ۲۷۰ نفری روستایی و ساکنین شهر باخرز تنها ۲۴ درصد آنان به طریقی از صنایع دستی یا محلی بهره‌برداری می‌نمایند و ۷۶ درصد زنان به دلایل مختلف، نظیر فراهم نبودن سرمایه لازم، از اشتغال در بخش صنایع دستی محروم‌اند.

هرچند بخشی عظیمی از خانوارهای شاغل در صنایع دستی نیاز شدید مالی دارند لیکن تمایلی به اخذ تسهیلات از منابع رسمی نداشته و ترجیح می‌دهند از منابع غیررسمی یعنی واسطه‌ها و دلان و سلف‌خران وام تهیه کنند. همچنین از ۶۵ خانواری که در صنایع دستی مشغول هستند تنها ۴۷/۷ درصد (۳۱ خانوار) از منابع رسمی وام گرفته‌اند و بقیه به سایر منابع اعتباری متکی بوده‌اند و بیش از نیمی از فعالان این بخش، نتوانسته‌اند از تسهیلات اعتباری استفاده کنند. سالانه بیش از ۱۰ درصد افراد این بخش، به دلیل مشکلات مالی و عدم حمایت‌های قانونی، دست از این کار می‌کشند. بررسی‌های محلی نشان می‌دهد به دلیل ممنوعیت کسب وام توسط زنان و مبادله آنان با افراد غریبه ۲۳/۷۸ درصد افراد از وام استفاده نکرده‌اند و ۹/۱۸ درصد نیز به خاطر ترس از ناتوانی در پرداخت و مشکلات احتمالی برای زنان شاغل وام نگرفته‌اند، بررسی دیگری نشان می‌دهد ۱/۸۷ درصد افرادی که از وام‌های اعطایی رسمی استفاده کرده‌اند غیرمستقیم و از طریق اعضای خانواده یا آشنایان به چنین کاری اقدام نموده‌اند.

تعاونی‌ها با سهام اندک روستائیان می‌توانند راهگشای مشکلات نقدینگی زنان و افزایش فعالیت‌های آنان در روستا گردند.

تعاونی‌ها علاوه بر قطع نقش واسطه‌ها و دلان در روستاها کمک شایانی به زنان شاغل

تقویت مهارت‌های عملی و آموزش‌های عملی زنان برای دستیابی به تخصص‌ها و فناوری نوین، تشویق و هدایت سازمان‌های فنی و حرفه‌ای در زمینه صنایع کوچک و خانگی افزایش سرمایه- گذاری در صنایع وابسته به کشاورزی با رویکرد و توسعه اشتغال زنان روستایی از راه‌های بهبود مشارکت زنان در اقتصاد کشور است (۱۵).

با عنایت به اینکه پذیرش و موفقیت چنین تشکلهایی تا حد زیادی در منطقه تضمین شده به نظر می‌رسد و توجه به میزان بالای پذیرش چنین تعاونی‌ها و مشکلات بسیار زیادی که زنان منطقه در رابطه با اشتغال و کسب درآمد و ایفای نقش‌های جدید خود با آن مواجه هستند تشکیل چنین تعاونی‌های تولیدی زنانه ضروری به نظر می‌رسد. این تعاونی‌ها می‌توانند در فروش کالاهای تولیدی اعضا و تامین سرمایه لازم اقدامات موثری انجام داده باعث جلوگیری از مهاجرت و بالا بردن سطح سواد، رفع تبعیض - های موجود و غیره گردند. چرا که بسیاری از خانواده‌های مهاجر به شهرها به دلیل نداشتن سرمایه و تخصص و عدم موفقیت در کشاورزی اقدام به این کار کرده‌اند و پس از مهاجرت، از یک نیروی تولیدی به مصرف‌کننده تبدیل شده‌اند که در شهرها به شغل‌های کاذب مشغول گشته‌اند.

با عنایت به تنگ نظری‌ها و سنت‌های موجود در زمینه فعالیت زنان، امور این تعاونی‌ها باید به زنان سپرده شود تا مشارکت روستائیان افزایش یابد. تعاونی‌ها باعث می‌شوند خلاقیت‌های زنان در امور مختلف که به دلیل متعدد (از جمله بی‌سوادی و فقدان فرصت برای تعلیم و کارآموزی) شکوفا نگردیده بار دیگر فرصت بروز یابند و دیدگاه‌هایی که توانایی زنان برای پذیرش مشاغل راهبردی را تا حد زیادی منفی جلوه می‌دهند برطرف سازد.

## منابع:

- ۱- صابری فر، رستم (۱۳۸۲). مقایسه سیستم‌های کشاورزی و نقش زنان، دانشگاه پیام نور تربت جام.
- 2- Moseley M.J. 2003 *Rural Development principles and practice*. Sage publication London P.58
- ۳- هفته‌نامه پیک بین‌المللی یونسکو فوریه ۱۹۹۶.
- 4- Notron George & Dwainr 1993 *Etfrey An introduction to Economic of Agricultural Development*. Halt. New York
- ۵- صابری فر، رستم. گزارش اقتصادی - اجتماعی کشاورزی حوزه آبخیز روس، شرکت مهندسی جهاد مشهد.
- ۶- بخش‌داری باخرز آمار سال ۱۳۴۸.
- ۷- صابری فر، رستم (۱۳۷۴). *ساماندهی سکونتگاه‌های روستائی تایباد*، پایان‌نامه ارشد.
- ۸- جهادسازندگی، سرشماری کشاورزی ۱۳۷۵، *آمارنامه شهرستان تایباد ۱۳۸۸*.
- ۹- گری، جان (۱۳۷۶)، *مردان مریخی زنان ونوسی*. ترجمه محمد رضا نیازی، مشهد.
- ۱۰- بر اساس برنامه‌های آموزشی جهاد کشاورزی - شبکه بهداشت و تعاون
- ۱۱- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷). *نظام حقوق زن در اسلام*، انتشارات صدرا.
- معاونت عمرانی روستائی جهادسازندگی (۱۳۷۶).
- ساماندهی خدمات روستائی باخرز.
- ۱۲- صابری فر، رستم. *کمک‌های خارجی در روند توسعه*. زیتون شماره ۱۶۰
- ۱۳- صابری فر، رستم (۱۳۸۱). *زنان - اعتبارات - مشکلات و راهکارها*، همایش اعتبارات خرد دانشگاه الزهراء (س)
- ۱۴- صفی‌نژاد، جواد بنه (۱۳۵۴). *موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران*.
- ۱۵- مرکز آمار ایران سرشماری ۱۳۷۵ شهرستان تایباد و برنامه بودجه خراسان ۱۳۷۸